



ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۸۲

۸ مرداد ۱۳۹۷ / ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۸

حقوق ما

ادله اثبات جرم در ترازوی عدالت

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، نیلوفر جعفری، مریم دهکردی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

ادله اثبات جرم در ترازوی عدالت

ادله اثبات جرم: از راه رفتن در میان آتش
تا شهادت و اقرار علیه خود

علم قاضی: صدور حکم بر اساس امارات قضایی

شهادت؛ مستند شرعی اثبات جرم

سوگند و قسامه؛ قسم بخور، اثبات کن!

محمد اولیایی فرد: «در ایران از مقوله اقرار استفاده نه،
سوء استفاده می شود»

ادله اثبات جرم در ترازوی عدالت



نعمه دوستدار

اقدام یا تحقیقی برای کشف حقیقت باز گذاشته است، یعنی قانونگذار به سمت نظام ادله آزاد حرکت کرده است. البته در اینجا غلبه با همان نظام ادله قانونی است. بر اساس ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی، ادله اثبات جرم را عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است. ماده ۱۶۱ همین قانون تاکید کرده در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد، اثبات می‌شود، قاضی به استناد آنها رأی صادر می‌کند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد. ماده ۱۶۲ می‌گوید هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود. ماده ۱۶۳ هم می‌گوید که اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل شود، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، اعم از

در نظام‌های دادرسی دنیا سه نظام دادرسی معتبر حاکم است که شامل نظام دادرسی اتهامیه، نظام دادرسی تفتیشیه و نظام دادرسی مختلط می‌شود. به موازات این سه نظام دادرسی، سه نظام ادله اثبات دعوی نیز حاکم است: نظام ادله قانونی، نظام ادله آزاد یا اخلاقی و نظام ادله مختلط. در نظام دادرسی اتهامی نظام ادله قانونی و در نظام دادرسی تفتیشیه نظام ادله آزاد یا اخلاقی حاکم است. در نظام دادرسی مختلط نیز اختلاطی از این دو نظام ادله (یعنی نظام ادله قانونی و نظام ادله آزاد یا اخلاقی) مطرح می‌شود. نظام دادرسی در نظام حقوقی ایران از نظام ادله مختلط که اقتباسی است از حقوق فرانسه و همین‌طور فقه امامیه است، تبعیت می‌کند. در دعوای مدنی و رسیدگی‌های حقوقی به موجب ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی و همین‌طور مواد ۲۰۲ تا ۲۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی به طور دقیق دلایل مطرح شده است و ارزش دلایل و نحوه کاربرد آنها نیز مشخص شده و قاضی موظف است که به همین شکل رسیدگی کند و حکم صادر کند، در حالی که در کنار این اختلاط، ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی دست قاضی را برای هر



اداکنده سوگند، شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می‌شوند. بر اساس این قانون و دیگر قوانین فعلی کشور، نوار صوتی، فیلم و یا عکس به صورت مستقل ادله اثبات جرم محسوب نمی‌شوند بلکه می‌توانند نشانه‌ای برای کمک به قاضی برای دسترسی به دلایل و مستندات اثبات بزه باشد. به عبارت دیگر اگر متهمی با یک یا چند مورد از ادله اثبات جرم، متهم به ارتکاب جرمی شود، در کنار این موارد، از وجود نوار صوتی یا فیلم و عکس گرفته شده از متهم در حال ارتکاب به جرم می‌توان به عنوان اماره دلیل انتساب بزه استفاده کرد. یعنی می‌توان نوار صوتی یا فیلم و عکس را در کنار یکی از ادله اثبات دعوی کیفری بررسی کرد. بسیاری از پرونده‌های قضایی ایران به دلیل مشکلاتی که در نحوه ارائه ادله اثبات جرم و شیوه برخورد قاضی با آن وجود دارد، دچار ابهاماتی در رسیدگی عادلانه می‌شوند و نحوه استفاده از این ادله، گاه می‌تواند به استبداد قضایی و صدور احکام ناعادلانه منجر شود. در این شماره مجله حقوق ما، به بررسی ادله اثبات جرم در قانون ایران پرداخته‌ایم به این امید که طرح دوباره این موضوع، جامعه حقوقی و قضایی ایران را به یافتن راهکارهایی برای بهبود روند دادرسی تشویق کند.



ادله اثبات جرم: از راه رفتن در میان آتش تا شهادت و اقرار علیه خود

نیلوفر جعفری

ادله اثبات جرم مجموعه‌ای از دلایل ارائه شده است که مرجع قضایی برای اثبات گناه یا بی‌گناهی متهم از آنها استفاده می‌کند. بر اساس اصل ۱۶۶ قانون اساسی ایران احکام «دادگاه‌ها باید مستند مستدل به مواد قانون و اصولی باشد. دادگاه موظف است دلائلی را که برای رای صادر شده در مورد یک بزه مورد استفاده قرار گرفته است، مشخص کند تا بر اساس آن طرفین دعوی با ملاحظه حکم صادر شده صحت حکم را بشناسند. این تکلیف، تضمین کننده آزادی و حقوق فردی است و موجب می‌شود که مرجع قضایی در رسیدگی و صدور رای دقت کامل داشته باشد. همچنین ارائه دلایل ضمانتی برای صدور رویه‌های قضائی درست و صدور احکام عادلانه خواهد بود.

روند تاریخی

ادله اثبات جرم در دادرسی کیفری یکی از موضوعات مهم تاریخی است که در ادوار مختلف با توجه به باورهای اجتماعی و مذهبی تعیین شده است. چنانچه در دوران باستان اثبات جرم یا بی‌گناهی فرد به نظر روسای قبیله وابسته بود. به

این ترتیب متهم بی‌گناهی خود را نه با تمسک به دلایل عقلی بلکه با تمسک به نوعی معجزه برای نجات اثبات می‌کرد. متهم می‌بایست با انجام آزمایش‌های خارق‌العاده‌ای مانند ریختن سرب گداخته بر روی بدن یا راه رفتن در میان شعله‌های آتش و شنا کردن با دستان بسته در رودخانه بی‌گناهی خود را ثابت می‌کرد. اگر متهم نمی‌توانست پس از قرار گرفتن در چنین وضعیتی از آن جان سالم به در برد به مجازات عملی که مرتکب شده بود می‌رسید.

پس از دوران باستان، ادله اثبات جرم توسط احکام مذهبی صادر شده توسط خدا در نظر گرفته می‌شد و روسای ادیان با توسل به متون دینی خود، رای به گناهکار بودن یا بی‌گناهی متهم می‌دادند.

در قرون وسطی ادله اثبات جرم برای قاضی بر اساس روش قانونی تعیین می‌شد. در دوره دلایل قانونی قاضی بر اساس شهادت و اقرار متهم جرم را اثبات می‌کرد.

شهادت و اقرار در اثبات جرائم همواره به عنوان مهم‌ترین ادله اثبات جرم توسط قاضی در طی تاریخ طولانی قضاوت در نظر گرفته شده است. در گذشته قاضی برای صدور حکم محکومیت بر مبنای شهادت و اقرار داور می‌کرد. اما در

مواردی که افراد حاضر به شهادت علیه کسی نبودند قاضی برای اثبات جرم می‌توانست فقط به اقرار مجرم متکی باشد و اگر مجرمی اقرار می‌کرد قاضی به دلایل دیگر نیاز نداشت و رای به محکومیت می‌داد. این روش اثبات جرم به ویژه برای تفتیش عقاید در دوره قرون وسطی کاربرد داشت و تا پیش از آغاز تحولات فرهنگی دوره رنسانس مورد استفاده قرار می‌گرفت. اثبات جرم متکی بر اقرار این امکان را فراهم می‌کرد که با شکنجه و تهدید فرد را وادار به اقرار کنند.

بررسی تفتیش

همانگونه که پیش از این یادآوری شد، روش تفتیش برای اثبات جرم در قرون وسطی مورد استفاده قرار می‌گرفت. مقامات کلیسا از تفتیش برای جرایم مذهبی همچون به تعقیب و محاکمه متهم استفاده می‌کردند.

مهمترین اشکال سیستم تفتیش نادیده گرفتن اصل برائت است. در تفتیش هیچ‌گونه نفعی برای متهم در نظر گرفته نمی‌شود.

با آغاز رنسانس و تغییر و تحولات در حقوق جزا قاضی برای داوری علاوه بر شهادت و اقرار به اقرار وجدانی یا

دلایل معنوی مطرح استناد می‌کردند. به این ترتیب شهادت و اقرار به‌ویژه اگر آنها با شکنجه و تهدید یا اکراه و اغوا به دست آمده باشند اعتبار مطلق خود را از دست دادند. در این دوران ادله اثبات جرم بر اساس رای و نظر استدلالی و وجدان قاضی و هیأت منصفه در نظر گرفته می‌شد و رای بر اثبات جرم بر اساس بررسی همه ادله و هم‌خوانی آنها با یکدیگر و در نهایت استنباط قاضی صورت می‌گرفت.

حقوق جزا پس از دوره دلایل معنوی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد و نوبت به دوره دلایل علمی رسید. در این دوره قاضی برای رسیدن به استدلال شخصی می‌بایست از یافته‌های علمی بهره بگیرد.

ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی ایران

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ادله اثبات جرم در بخش پنجم بیان شده است. بر اساس ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ایران «ادله اثبات جرم عبارت است از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند و در موارد مقرر قانونی و علم قاضی.»

تعریف اقرار در ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی

بر اساس ماده ۱۶۴ قانون مجازات اسلامی اقرار عبارت است از «اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود.» به این ترتیب اگر متهم به ارتکاب جرم اقرار کند، این اقرار وی نافذ و معتبر است و نیازی به بررسی ادله دیگر اثبات جرم نیست مگر قاضی اقرار متهم را با دلایل و قرائن دیگر مطابق نداند. اقرار در لغت به معنی واضح بیان کردن و آشکار گفتن است و در امور کیفری به معنای از اذعان شخص به انجام یا ترک فعلی که برابر قوانین جزائی به ضرر اقرار کننده منشأ اثر قانونی است. (مدنی، ۱۳۸۰: ۳۴۳)

بر اساس ماده ۱۶۹ اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد.

تعریف شهادت در قانون مجازات اسلامی

بر اساس ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی شهادت عبارت از اخباری است که فرد یا افرادی غیر از طرفین دعوا به وقوع یا واقع شدن جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی بیان می کنند. ویژگی های شاهد مطابق ماده ۱۷۷، بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد، ذی نفع نبودن در موضوع، نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها، گدایی نکردن و ولگرد نبودن است. برای اثبات جرم بر اساس شهادت به دو مرد بالغ و در مواردی مانند زنا به چهار مرد بالغ نیاز است.

ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی می گوید در یک شهادت شرعی در صورتی که شاهد بیش از یکی است وحدت در شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت ها در اثبات جرم یکسان باشد و هرگاه اختلاف مفاد شهادت ها موجب تعارض شود یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی شود.

در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی آمده است که شاهد می تواند در دادگاه حاضر نشود و در این صورت گواهی به صورت مکتوب، صوتی، تصویری زنده یا ضبط شده با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است.

تعریف علم قاضی در قانون مجازات اسلامی

ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی علم قاضی را «یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود» تعریف کرده است. قاضی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

بر اساس تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی جدید مواردی مانند نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می توانند مستند علم قاضی قرار بگیرند.

همچنین مواد ۱۰۵ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی تاکید کرده اند که علم قاضی یکی از دلایل اثبات جرم است که اختصاص به جرم خاصی ندارد و حتی شامل تعزیرات نیز

می شود.

تعریف قسامه در قانون مجازات اسلامی

ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی می گوید: «قسامه عبارت از سوگندهایی است که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر، و وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می کند.»

قسامه در مواردی مانند قتل و درخواست ولی دم برای قصاص مورد استفاده قرار می گیرد. در صورتی که قتلی رخ داده باشد و متهم به قتل اقرار نکند و اولیای دم خواستار حد برای فرد یا افرادی شدند اما نتوانند دعوی قابل قبولی ارائه بدهند و قاضی به راستگویی افراد ظنین باشد، مدعیان باید در صورت قتل عمد، ۵۰ سوگند و در صورت قتل شبه عمد و خطای محض ۲۵ سوگند بخورند در غیراین صورت متهم تبرئه می شود.

علم قاضی: صدور حکم بر اساس امارات قضایی

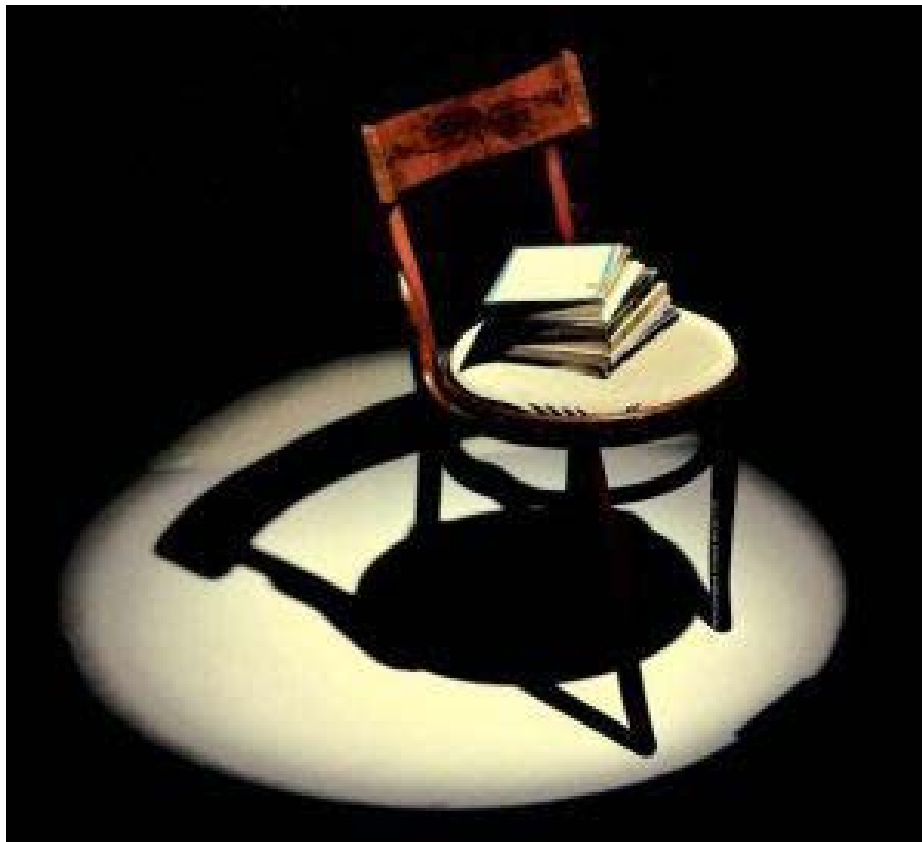
نیلوفر جعفری

قضاوت می‌کند و پیامبر قضاوت وی را می‌پذیرد. به عبارت دیگر تأیید قضاوت علی توسط پیامبر به قضاوت بر اساس علم قاضی وجهه شرعی می‌دهد. علاوه بر این فقها در تأیید علم قاضی به عنوان ادله اثبات جرم به دلیل یقینی استناد می‌کنند. فقهایی مانند شیخ طوسی و شهید ثانی علم قاضی را دارای ارزش و یقینی می‌دانند و آن را بر دلایل دیگری مثل شهادت در اثبات جرم ارجح می‌دانند. به این ترتیب در مواردی که قاضی نسبت به ادله دیگر یقین ندارد می‌تواند بر اساس علم خود رای را صادر کند. مثلاً قاضی می‌تواند در موردی که شهادت را دروغین می‌داند بر آن تکیه نکند و بر اساس سایر تحقیقات انجام شده رای را بر اساس علم خود صادر کند.

علم قاضی در قانون مجازات اسلامی ایران

علم قاضی به عنوان یکی از ادله اثبات جرم پس از تصویب قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از ادله در قانون پیش‌بینی شد. پیش از انقلاب اسلامی در ایران علم قاضی به عنوان بخشی از ادله اثبات جرم در قانون لحاظ نشده بود و این مورد تنها پس از انقلاب وارد قانون مجازات و آیین دادرسی وارد شد.

بر اساس ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علم قاضی اینگونه تعریف شده است: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.»



قاضی در بررسی یک جرم به دو روش عمل می‌کند. در روش اول علم قاضی در خارج از جلسات تحقیق و محاکمه کسب می‌شود؛ به این معنی که قاضی قبل از طرح دعوا در محکمه، واقعه کیفری را شخصا ملاحظه کند. در روش دوم قاضی پس از ملاحظه طرح شکایت و دلایل، شواهد و قرائن اتهام و استماع مدافعات متهم و ادله و شواهد اتهام و با بررسی کامل محتویات پرونده و دلایل آنان و استماع اظهارات طرفین دعوا، عالم به صحت اسناد جرم به متهم یا عدم صحت آن شود.

همچنین در تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است: «مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم‌آور باشند می‌توانند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود نمی‌تواند ملاک صدور حکم قرار بگیرد. به عنوان نمونه در حکمی برای اثبات نسب یک شخص بر اساس آزمایش دی‌ان‌ای از موارد علم قاضی به حساب می‌آید و قاضی بر اساس آن حکم را صادر می‌کند. در این نوع موارد علم قاضی بر سایر ادله اثبات دعوی از جمله شهادت ارجحیت دارد.

بر اساس ماده ۱۹۴ آیین دادرسی کیفری حتی اقرار در صورتی که قرائن و امارات مزید آن نباشد می‌تواند مورد پذیرش قرار نگیرد.

صریح ترین ماده مورد استناد به علم قاضی ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی است. طبق ماده ۱۰۵ و ۱۲۰ قانون مجازات

اسلامی «حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری کند و لازم است مستند علم خود را ذکر کند.» پس علم قاضی یکی از دلایل اثبات جرم است که اختصاص به جرم خاصی ندارد و حتی شامل تعزیرات نیز می‌شود.

با این حال چون در قانون حق الله و حق الناس تعریف نشده است برای تشخیص این موارد باید به منابع فقهی اسلامی مراجعه شود.

اما نکته مهم‌تر که در ماده ۱۲۰ مجازات اسلامی آمده این است که علم قاضی باید از طرق متعارف به دست آمده باشد و قاضی نمی‌تواند به استناد خواب یا رویا حکمی را صادر کند. البته علم قاضی در همه شرایط کاربرد ندارد و در صورتی که ادله قوی دیگری وجود دارد عمل بر اساس علم قاضی ضروری نیست. قاضی نیز در جایی که دلایل محکم همچون سند رسمی وجود دارد به علم خود اتکا نمی‌کند. معمولاً قاضی در کشف حقیقت به دو طریق می‌تواند از علم خود استفاده کند. قاضی یا خود باید شاهد و ناظر امر خلافی باشد یا اینکه پس از کار کارشناسی و استعلام نظر خبرگان و جمع امارات حقیقت را شناسایی کند. به طوری که اگر قاضی دیگری پرونده را مورد بررسی قرار دهد به همان نتیجه برسد و رای را بر همان اساس صادر کند.

در ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی آمده است علم قاضی که از امارات قضایی ایجاد شده باشد تنها در آن دسته از دعاوی قابل پذیرش است که دعوا با شهادت قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند. به این ترتیب در مورد دعاوی‌ای که در آن سند رسمی به عنوان دلیل وجود دارد، علم قاضی نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرد مگر اینکه سند رسمی را تکمیل کند.

همچنین در دعاوی کیفری علم قاضی نمی‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. مثلاً در مورد جرائمی مانند زنا نمی‌توان از علم قاضی استفاده کرد زیرا نحوه اثبات جرم در قانون مشخص شده است و علم قاضی شامل اثبات زنا نمی‌شود.

در بسیاری از آیین‌های دادرسی، قاضی اختیارات وسیعی برای کشف حقیقت دارد. زیرا قاضی وظیفه دریافت حقیقت و صدور رای بر اساس آن را بر عهده دارد و از او انتظار می‌رود با همه ابزارهایی که در اختیار دارد برای رسیدن به حقیقت اقدام کند. در ایران بر اساس اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی و غیره می‌بایست بر اساس موازین اسلامی باشد و قانونگذار بای بر مبنای همین اصل، علم قاضی را از جمله ادله اثبات جرم در نظر بگیرد.

اما باید این نکته را نیز در نظر داشت که قاضی نمی‌تواند خلاف علم و اطمینان خود حکمی را صادر کند هرچند که شواهد و اقراری برای آن وجود داشته باشد.

شهادت؛ مستند شرعی اثبات جرم



معین خزانلی

شده و از این رو تابع ساز و کار و شرایط خاصی است و تنها در صورتی به عنوان یکی از ادله اثبات، قابلیت استماع و استناد دارد که منطبق با شرایط شرعی احصاء شده در فقه و به تبع آن قانون موضوعه باشد.

شهادت، شرع و قانون

ماده ۱۶۱ قانون مجازات اسلامی شهادت را از مستندات «شرعی» دادگاه برای صدور رای معرفی کرده و همین تصریح نشانگر آن است که از نظر قانونگذار در ایران، شرعی بودن شرایط شاهد از ملزومات قابل استماع بودن شهادت است.

علی دربهبانی؛ وکیل دادگستری

علی دربهبانی وکیل دادگستری در ایران در این زمینه می‌گوید: «پس از انقلاب در ایران بسیاری از قوانین کیفری و مدنی پیشین به دلیل اسلامی شدن دستگاه قضایی حذف و تمامی قوانین به ویژه قوانین جزایی بر مبنای انطباق با فقه شیعه بازنویسی شد.»

در همین زمینه ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی ۹ شرط «بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد، ذینفع نبودن در موضوع، نداشتن خصومت با یکی از طرفین دعوی، عدم اشتغال به تکدی‌گری و ولگرد نبودن» را برای شرعی بودن و به تبع آن قابل استماع بودن شهادت ذکر کرده است.

به گفته این وکیل دادگستری سه شرط «بلوغ، ایمان و

بر اساس یکی از اصول مسلم عقلی علم حقوق، بار اثبات هر ادعایی در محاکم قضایی، اعم از مدنی و کیفری، بر عهده مدعی بوده و اوست که باید با توجه به ادعای خود دلایل و مستنداتی را برای اقناع دادگاه مبنی بر صحت ادعایش مطرح کند. در این میان، قانونگذار به منظور تقنین ادله اثباتی چه در قوانین مدنی و چه در قوانین کیفری، اقدام به احصاء و اولویت بندی این ادله اثباتی کرده و شرایط صحت و سقم آنان را توضیح داده است.

در همین زمینه در امور کیفری، قانونگذار در بخش پنجم قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۱۳۹۲ در ذیل ماده ۱۶۰ آن «شهادت» را پس از «اقرار» از جمله ادله اثباتی جرم دانسته است. بر این اساس شهادت به عملی گفته می‌شود که طی آن فردی به غیر از دو طرف دعوی (شاکی و متهم) اظهاراتی را در دفاع از یکی از طرفین مبنی بر ارتکاب یا عدم ارتکاب عملی یا رخ دادن اتفاقی مرتبط با جرم ارتکابی تایید یا تکذیب کند به نحوی که سبب علم قاضی به اتفاق رویداده شود. از این رو شهادت می‌تواند سلبی و ایجابی بوده و هر دو طرف دعوی در صورت طرح ادعایی می‌توانند در صورت وجود شاهدی مبنی بر تایید ادعای خود از آن استفاده کنند.

در عین حال اما، با توجه به نقش احکام اسلامی، به ویژه فقه شیعه، در قوانین موضوعه ایران و به خصوص قانون مجازات اسلامی، شهادت از جمله بینة شرعی اثبات جرم محسوب

امکان راستی آزمایی این شرایط برای دادگاه‌ها و به دنبال آن طرف دیگری است که بر علیه او شهادت داده شده است. دربهبانی می‌گوید: «افرادی که امروزه در دادگاه های ایران به عنوان شاهد حضور پیدا می‌کنند به ندرت تمامی شرایط تعیین شده در قانون برای شهادت را دارا هستند. چرا که اساسا امکان میزان‌سنجی آنچه که به عنوان مثال ایمان ذکر شده وجود ندارد. از طرف دیگر به عنوان مثال روشن است که یک دختر بچه ده یا یازده ساله اگرچه از نظر فقه اسلامی به بلوغ شرعی رسیده اما از نظر عقلی به هیچ وجه صلاحیت حضور در دادگاه به عنوان شاهد را ندارد.»

از این رو به گفته این وکیل دادگستری، آنچه که امروزه در دادگاه های ایران به ویژه دادگاه‌های کیفری به عنوان احضار شهود و استماع شهادت آنان جریان دارد در واقع حضور این افراد به عنوان مطلع بوده و گفته‌های آنان نه به عنوان شهادت بلکه به عنوان عاملی برای علم قاضی شنیده می‌شود.

ضمن اینکه به گفته دربهبانی، امروزه دستگاه قضایی ایران با پدیده‌ای به نام «شاهدان اجاره‌ای» روبه‌رو است که به راحتی می‌توان آنها را با پرداخت مبلغی به عنوان شاهد در محاکم قضایی به ویژه در دعاوی مدنی حاضر کرد. از طرف دیگر به دلیل حجم بسیار بالای پرونده‌های قضایی در ایران و اطلاع دادرسی، در عمل قضات توجه چندانی به شرایط احصاء شده برای شهود ندارند.

شهادت و ادله مدرن؛ تعارض شرع و علم

از منظر قانونگذار در ایران، شهادت پس از اقرار به عنوان یکی از ادله اصلی اثبات دعوی شناخته شده و در صورت عدم وجود اقرار، دادگاه‌ها می‌توانند تنها با اتکا به شهادت شرعی شهود، اقدام به صدور رای کنند. بر این اساس روشن است که وجود شهادت شرعی در پرونده ای، دادگاه را از بررسی بیشتر بی‌نیاز می‌کند.

در این میان اما آنچه که مشکل می‌نماید تعارض شهادت شرعی با دیگر مستنداتی است که به عنوان مثال در یک پرونده برای اثبات یا نفی جرم ارتکابی یا دعوایی مدنی ارائه می‌شود.

دربهبانی در این زمینه می‌گوید: «این مشکلی است که در اوایل انقلاب عملا برای بسیاری از پرونده‌های حقوقی بروز کرد به صورتی که دادگاه‌ها در زمان تعارض بین اسناد رسمی صادر شده پیش از انقلاب با شهادت شهود، اولویت اثباتی را بر شهادت شرعی گذاشته و اقدام به صدور رای بر



طهارت مولد» مستقیما برگرفته از احکام اسلامی است. دربهبانی می‌گوید: «به عنوان مثال منظور از بلوغ در این ماده نه به معنی آنچه که سن قانونی شناخته می‌شود است بلکه به معنی سن بلوغ شرعی است که از نظر فقه شیعه برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری است.»

بر همین اساس منظور از ایمان در متن ماده نیز عدم اشتها به آنچه که از نظر فقه شیعه فساد و حرام شناخته می‌شود بوده و ذکر طهارت مولد نیز اشاره به عدم آنچه که در اسلام «نژادگی» خوانده می‌شود است.

آنچه اما به گفته این وکیل دادگستری مشکل می‌نماید عدم

علیه مشهود علیه می‌کردند.»

در امور کیفری اما امروزه با پیشرفت علم و استفاده از آن در پزشکی قانونی، انگشت نگاری و نیز روش‌های تشخیصی هویت، ادله سنتی اثبات جرم دیگر کارایی خود را از دست داده و در مواردی حتی ممکن است در تعارض با ادله مدرن قرار گیرند.

دربهانی در این زمینه می‌گوید: «امروز عملاً در امور جزایی، ادله سنتی اثبات دعوی جای خود را به ادله مدرن داده‌اند و دیگر آن نقش اولویی خود را ندارند.»

ضمن اینکه به گفته این وکیل دادگستری هدف از ادله چهارگانه اثبات جرم در واقع به علم رساندن قاضی در مورد جرم ارتكابی و مرتکب آن است و امروزه اگر این علم از طرق دیگر نیز قابل تحصیل باشد، روشن است که دادگاه حکم خود را بر مبنای آن صادر خواهد کرد، حتی اگر در تعارض با ادله سنتی مانند شهادت باشد.

شهادت، بی‌عدالتی و عامل انسانی

شهادت به عنوان یکی از ادله اصلی اثبات جرم، جدای از نقش اثباتی خود در زمینه اجرای عدالت و حل و فصل قانونی و مدنی اختلافات در جامعه، به دلیل نقش فزاینده عامل انسانی در آن، خود به شدت پتانسیل ایجاد ناعدالتی را دارا است و چه بسا در بسیاری از موارد شهادت دروغین شهودی در یک پرونده قضایی، منجر به صدور احکامی نادرست و ناعادلانه شده است.

دربهانی در این زمینه می‌گوید: «اساساً هر جا عاملی انسانی در پروسه‌های قضایی حضور داشته باشد، بحث تطمیع، ارباب، انتقام و یا اجبار نیز وجود خواهد داشت.»

به گفته این وکیل دادگستری، از این رو است که امروزه دادگاه‌ها و به ویژه دادرها در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم اقدام به بررسی تمامی جوانب و ادله و مستندات احتمالی جرم کرده و تلاش می‌کنند تا از طریق روش‌های علمی و پلیسی اقدام به کشف جرم و شناسایی مجرم کنند.

در عین حال اما به اذعان دربهانی، نفس وجود افرادی به عنوان شاهدان اجاره‌ای که با دریافت مبلغی حاضرند در هر موضوعی و بر علیه هر شخصی شهادت دهند، خود سبب بی‌عدالتی و پایمال شدن حقوق افراد خواهد شد.

در این زمینه به نظر می‌رسد که قانونگذار نیز با توجه به پتانسیل موجود در این موضوع، اقدام به جرم‌انگاری شهادت کذب کرده و بر اساس ماده ۶۵۰ قوانین مربوط به تعزیرات قانون مجازات اسلامی، برای افرادی که اقدام به اظهار

شهادت دروغ می‌کنند جریمه نقدی و حبس پیش بینی کرده است. علاوه بر اینکه اگر شهادت دروغ این افراد سبب وارد آمدن خسارت مالی یا جانی بر مشهود علیه شود، آنها مکلف به جبران خسارت مالی و یا پرداخت دیه به مشهود علیه یا اولیای دم او خواهند بود.

با این وجود اما روشن است که در صورت عدم وجود قرائن و مستندات روشن در زمینه احتمال کذب بودن شهادت، بار اثبات دروغ بودن آن بر عهده مشهود علیه است.



همچنین به گفته دربهانی، در عمل امکان وجود برخی جرایم مانند زنا، لواط و مساحقه از طریق شهادت شهود وجود ندارد، چرا که در واقع هیچ فردی در منظر عموم اقدام به انجام این اعمال نمی‌کند و اگر شاهدی نیز بر مشاهده ارتکاب این عمل در خفا و حریم خصوصی این افراد شهادت دهد، مشخص است که دیگر شرایط شرعی شهادت از جمله ایمان و عدالت را ندارد. چرا که فرد مومن و عادل اقدام به ورود مخفیانه به حریم خصوصی افراد نمی‌کند.

ضمن اینکه به اعتقاد این وکیل دادگستری، تعیین تعدد شهود در جرایم اشاره شده به همین دلیل بوده و این جرایم صرفاً با شهادت دو مرد اثبات می‌شوند.

با این وجود اما تکیه قانون کیفری موضوعه ایران به پیروی از فقه شیعه بر شهادت به عنوان یکی از ادله متقن، ناخواسته سبب بی‌عدالتی شده و ساز و کار فعلی دادگاه‌ها در ایران نیز توان مقاومت در برابر آن را ندارد. به عنوان مثال اصرار دادگاه‌ها به ارائه شاهد از سوی قربانیان جرایمی مانند تجاوز به عنف سبب پایمال شدن حقوق قربانی جرم و در عمل حمایت از متجاوز شده است.

دربهانی در این زمینه می‌گوید: «جرم تجاوز به عنف به دلیل ماهیتی که دارد اساساً قابلیت اثبات از طریق شاهد را ندارد، چرا که متجاوز معمولاً در مکان‌هایی اقدام به ارتکاب تجاوز می‌کند که صرفاً او و قربانی حضور داشته‌اند. به همین دلیل اساساً امکان حضور شاهد برای اظهار شهادت وجود ندارد، چرا که در زمان وقوع جرم کسی حضور نداشته است.»

این وکیل دادگستری با انتقاد از رویه جاری در دادگاه‌های ایران مبنی بر درخواست ارائه شهود از سوی قربانی تجاوز به عنف، اما استفاده از روش‌های پلیسی بررسی صحنه جرم را کمک شایانی برای این قربانیان دانسته و می‌گوید: «یکی از اصلی‌ترین راه‌های مقابله با این خلاء قانونی، استفاده از روش‌های علمی بررسی صحنه جرم و به عنوان نمونه کشف آثار اعمال زور در در صحنه است.»

در عین حال اما علی‌رغم وجود اینم خلاءهای قانونی در مبحث مربوط به شهادت، به گفته این وکیل دادگستری، به دلیل بار اثباتی شهادت به عنوان یکی از راه‌های اثبات جرم، امکان حذف آن نیز وجود ندارد.

از این رو به اعتقاد دربهانی، تنها راه مبارزه با سوءاستفاده از این امکان قانونی تقویت علمی قضات است. او می‌گوید: «سیستم تربیتی قضات باید به سمتی رود که آنها علاوه بر حقوق و فقه، تا حدودی به بحث‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و مردم‌شناسی نیز آشنایی پیدا کرده و تا حدودی امکان ورود به بحث‌های روانشناختی را داشته باشند.»

از سوی دیگر به گفته او کم کردن حجم پرونده‌های قضات از طریق کاهش مدت زمان دادرسی و تقویت و تاکید بیشتر بر نقش دادر، بازپرس و دادیار در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم می‌تواند از پتانسیل ناعادلانه بودن موضوع شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات جرم بکاهد.

سوگند و قسامه؛ قسم بخور، اثبات کن!



معین خزائلی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بخش پنجم خود در ادامه مبحث «ادله اثبات در امور کیفری» در ماده ۱۶۰ خود، «سوگند و قسامه» را از دیگر ادله اثبات جرم معرفی کرده است. بر این اساس سوگند، تاکید بر صحت و راستی ادعای مدعی با استفاده از گواه گرفتن خداوند یا سایر مقدسات است.

در همین زمینه، ماده ۲۰۱ قانون مجازات نیز سوگند را «عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند» دانسته است. بر این مبنا بار حقوقی سوگند این است که بر اساس قانون برگرفته از فقه شیعه، دادگاه مکلف است در زمان نبود اسناد و ادله اثباتی دیگر، سوگند مدعی، خواه شاکی خواه متهم، را پذیرفته و بر همان اساس حکم به مجرمیت متهم یا برائت او دهد. در همین راستا قسامه در حقیقت همان سوگندی است که تنها در موارد قتل کاربرد داشته و تعدد آن بر مبنای معین شده قانونی شرط نفوذ و صحت آن است.

روشن است که در دنیای امروز، باور به تاثیر چنین عملی به عنوان یکی از ادله شرعی و قانونی اثبات جرم، چندان عقلانی و منطقی به نظر نرسیده و چه بسا نیز غیرعادلانه و غیرعقلانی به نظر رسد. اما، مستندات فقهی نقش سوگند و قسامه در حقوق جزایی اسلام، نشان می دهد که تاریخ

این دو حتی به پیش از اسلام بازگشته و بر اساس روایات فقهی یکی از اصلی ترین ادله اثبات دعوی در دورانی بوده است که عملاً جز استفاده از آنها راه دیگری برای اثبات دعوی وجود نداشته است.

سوگند؛ نبود ادله دیگر، توسل به مقدسات

بر اساس قانون مجازات اسلامی، هر یک از طرفین دعوا، اعم از شاکی و یا متهم، در صورت نبود هیچ یک از ادله اثباتی دیگر (اقرار، شهادت، علم قاضی)، می توانند برای اثبات ادعای خود سوگند یاد کرده و دادگاه نیز موظف است اقدام به صدور رای خود بر مبنای آن کند. به عنوان مثال متهم می تواند در صورت عدم وجود مدارک مستند و معتبر بر علیه خود، تنها با ادای سوگند تبرئه شود؛ و یا شاکی می تواند بر همین منوال تنها با ادای سوگند، انتساب جرم ارتكابی را به متهم اثبات نماید.



از این رو، حق سوگند از جمله حقوق اختصاصی مدعی بوده و دادگاه نمی تواند راساً از طرفین دعوی بخواهد که برای اثبات گفته خود سوگند یاد کنند.

در عین حال استفاده از سوگند در همه جرایم ممکن نبوده و بر اساس قانون جرایمی که مشمول مجازات‌های مربوط به حدود و تعزیرات هستند مانند شرب خمر، کلاهبرداری، خیانت در امانت، و جعل و افترا با سوگند قابل اثبات نخواهند بود. در مقابل جرایمی را که مجازات‌های آنها قصاص، دیه و یا ارش است، می‌توان با ادای سوگند اثبات کرد.

همچنین بر اساس قانون فرد اداکننده سوگند باید «عاقل، بالغ، قاصد و مختار» بوده و ادای آن نیز باید بر طبق دستور دادگاه و با توسل به لفظ «الله» و یا نام خدا در دیگر زبان‌ها صورت گیرد.

آنچه اما در این میان مشکل می‌نماید این است که قانون موضوعه در این زمینه اساساً مابین مسلمان و غیرمسلمان در توسط به خدا تفاوتی نگذاشته است. بر این اساس دادگاه موظف است در صورت تقاضای یکی از طرفین، شخصی را که اساساً ممکن خدا ناباور نیز باشد را به نام خدا سوگند داده و بر مبنای سوگند وی اقدام به صدور رای کند.

از طرف دیگر اساساً، مبنای مسئولیت کیفری بر پایه قصور و تقصیر و یا عدم دقت و رعایت مقررات و نکات قانونی استوار است و تمییز و تشخیص آن در بسیاری از جرایم و اتفاقات کاری پیچیده و و مستلزم تحقیقات کارشناسانه است. از این رو نمی‌توان انتساب یا عدم انتساب فعلی مجرمانه را تنها با سوگند یکی از طرفین دعوی اثبات کرده و بر اساس آن رای صادر کرد.

در عین حال سوگند به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی، ضعیف‌ترین آنها بوده و تنها در مواردی که حقیقتاً هیچ ادله و مستندات دیگری برای اثبات یا رد اتهام وجود ندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

امروزه نیز علی‌رغم تاکید فقه شیعه و به تبع آن قانون مجازات اسلامی در ایران، استفاده از سوگند به عنوان یکی از ادله اثبات جرم در عمل جایگاه خود را از دست

بر اساس گزارش‌ها از سال ۱۳۹۴ تاکنون دست کم در دو مورد، متهمان جنایت با استفاده از قسامه به اعدام محکوم شده و حکم آنان نیز اجرا شده است. گزارش‌هایی نیز از استفاده از این روش در پرونده‌های دیگر منتشر شده است.

به گفته بسیاری از منتقدان استفاده از قسامه به عنوان روشی برای اثبات جنایت، به این دلیل در شرع اسلام مورد پذیرش قرار گرفته که اساسا در آن زمان راه‌های موثر دیگری برای تشخیص مرتکب جنایت وجود نداشته، اما امروزه با پیشرفت علم و روش‌های نوین پلیسی و قضایی در تشخیص هویت افراد، توسل به قسامه ناعادلانه و غیر منطقی است.

همچنین، با توجه به اینکه مجازات جرایمی که در آن امکان استفاده از قسامه وجود دارد، اعدام است؛ توسل به این روش سبب می‌شود که با صرف سوگند ۵۰ تن از بستگان مقتول، متهم به قتل به اعدام محکوم شود.

از سوی دیگر، از جرایمی که تعداد مباشرین آن با توجه به ماهیت جرم بالا است، مانند نزاع‌های دسته‌جمعی، اساسا توسل به قسامه توسط مجنی علیه عملا تبدیل به راهی برای انتقام‌گیری‌های شخصی و تسویه حساب خواهد شد؛ چرا که تشخیص و تعیین مرتکب فعلی خاص در چنین نزاع‌هایی عملا امکان پذیر نیست. بررسی پرونده‌های قضایی که مستند اثباتی آن قسامه بوده نیز نشان می‌دهد که در اکثریت موارد، موضوع پرونده، ایراد جنایت در نزاع‌های دسته‌جمعی بوده است.

در عین حال امروزه، رویه قضایی در دستگاه قضایی ایران بیشتر به استفاده از ادله مدرن اثباتی و نیز اقرار و شهادت به عنوان ادله سنتی و شرعی اثبات جرم گرایش داشته و توسل به سوگند و قسامه به ندرت در پرونده‌ها دیده می‌شود. با این وجود به دلیل احتمال اعمال مجازاتی مانند قصاص برای جرایمی که امکان انتساب آنها از طریق سوگند و قسامه وجود دارد، توسل نابه‌جا به این دو روش حتی در یک پرونده، سبب سلب حق حیات متهم به اتهام ارتکاب عملی خواهد شد که شاید هیچگاه از وی سر نزده باشد.

داده و استناد به ادله مدرن (تشخیص هویت، روش‌های نوین بررسی صحنه جرم) در رویه قضایی نقش بیشتری یافته است.

قسامه، تعدد سوگند، اثبات جنایت

ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی قسامه را عبارت از «سوگندهایی» دانسته که در صورت وجود لوث و عدم وجود ادله و بینات دیگر برای اثبات جنایات عمدی یا غیر عمدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تصریح قانون به شرط تعدد سوگند نشان می‌دهد که این شرط ناظر به صحت و نفوذ قسامه بوده و در صورت عدم رعایت آن، به عنوان ادله اثباتی مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت.

تعداد سوگندهای مورد نیاز در قتل عمد ۵۰ سوگند و در جنایات غیر عمد ۲۵ سوگند است. شرط دیگر این است که اداکنندگان سوگند همگی باید مرد باشند تا سوگند آنان مورد پذیرش قرار گیرد.

بر این اساس هر یک از طرفین دعوی در صورت وقوع لوث در پرونده جنایت، می‌توانند تنها با فراهم آوردن ۵۰ مرد و ادای سوگند توسط آنان انتساب یا عدم انتساب جنایت ارتكابی را اثبات کنند. منظور از لوث وجود مدارک و قرائنی است که انتساب یا عدم انتساب جرم ارتكابی را به متهم تقویت کرده اما آن را اثبات نکند، به صورتی که ظن بر راستی آنها برود.

بر اساس تعدادی از روایات اسلامی، قسامه از احکام امضایی اسلام بوده و فلسفه آن به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد و از این رو فلسفه آن تاسیسی نبوده، اما در عین حال اجرا و وجوب آن توسط شرع مورد پذیرش واقع شده است.

قسامه به عنوان یکی از ادله اثبات جرم، به ویژه جنایت با توجه به مجازات در نظر گرفته شده برای آن، همواره از سوی بسیاری از حقوقدانان، وکلای دادگستری و فعالین حقوق بشر مورد انتقاد بوده و تلاش‌هایی نیز برای عدم اجرای آن صورت گرفته است. با این حال به دلیل وجوب آن از سوی شرع و فقه شیعه، همچنان در مواردی توسط دستگاه قضایی در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

محمداولیایی فرد: «در ایران از مقوله اقرار استفاده نه، سوءاستفاده می‌شود»



مریم دهکردی

مائده هژبری ۱۷ ساله است. او اگر در کشوری آزاد زندگی می‌کرد سرش گرم ثبت نام در برنامه‌های استعدادیابی بود و هیچ بعید نبود برنده یکی از آنها شود و با جایزه‌اش برود و در یکی از آکادمی‌های مشهور رقص جهان ثبت نام کند. شاید هم در همان برنامه استعدادیابی، سرمایه‌گذاری یافت می‌شد و دخترک را در راه رسیدن به آرزوهای قشنگش مدد می‌کرد حالا اما او احتمالا از کشور خارج شده خروجی که در پی پخش مستند تلویزیونی تحت عنوان «بی‌راهه» رخ داد. برنامه‌ای که دختر جوان را نشانده روبروی دوربین، صورتش را به مثابه یک جنایتکار ترسناک شطرنجی و صدای لرزان و بغض آلودش را پخش کرد که روبه مجری-بازجوی مقابل می‌گفت: «من به خدا نمی‌دونستم جرمه، من هیچ چیز بدی هیچوقت منتشر نکردم، همه‌اش واسه دل خودم بود، من اصلا آموزش نمی‌دادم.»

اندکی پیش‌تر از این اتفاق، «محمدثلاث» اعدام شد. محمد ثلاث درویش گنابادی که متهم بود در جریان درگیری‌های ۳۰ بهمن ۹۶ پلیس با درویش، با اتوبوس سه مامور پلیس را زیر گرفته و کشته است. خبرگزاری دولتی ایران اسفندماه ۹۶ اعلام کرد که این درویش گنابادی به اعدام محکوم شده است. در گزارش‌های منتشر شده این نکته مطرح شده بود که وی «در جریان تحقیقات، ضمن اقرار به عمدی بودن اقدام خود از جمله راندن و هدایت اتوبوس به سمت ماموران ناجا، علت را عصبانیت و خشم اعلام کرده است.» خردادماه ۹۷ اما

انتشار یک فایل صوتی از محمد ثلاث موجی از تشکیک در خصوص اقرار او ایجاد کرد. در این فایل صوتی که توسط وکیل محمدثلاث منتشر شد او به صراحت گفته بود تحت شکنجه وادار به اقرار شده است: «من بیگناهم، دو تا اتوبوس بوده است. من راننده اتوبوسی که آدم کشته است نیستم، من آدم کش نیستم، من مورچه را هم نمی‌کشم. ماشین من سالم بوده است و گلوله‌ای به من نخورده است. تمام اینها صحنه‌سازی نیروی انتظامی است، من پشت اتوبوسی که آدم کشته نبوده‌ام، آن اتوبوس دیگری بوده که آدم کشته است.» او علت اینکه در دادگاه اعتراف کرده راننده اتوبوس بوده را چنین شرح داده است: «اگر در دادگاه اول از خودم دفاع می‌کردم مرا می‌کشتند، می‌ترسیدم که بگویم، در پاسگاه دو ساعت مرا زدند، ولی من «یک کلمه» گفتم که من نبودم. گفتند بزیندش تا بمیرد و بگویند در درگیری کشته شده و من سعی می‌کردم که کج دار و مریز با نیروی انتظامی رفتار کنم که فقط مرا نکشند تا حرفم از نیروی انتظامی به بیرون برسد.»

در حوزه حقوق و در تمامی دنیا، «اقرار» از ادله اثبات جرم درجه یک است. اما اقرار در چه صورتی دارای اعتبار است؟ «محمد اولیایی فرد» حقوقدان ساکن کانادا در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «در قوانین حقوق بین‌الملل، شریعت اسلام و به طور کلی علم حقوق و حتی قانون اساسی ایران اقرار از ادله اثبات جرم درجه یک است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶۸، در خصوص اقرار چهار شرط تعیین کرده است. فرد اقرار

کننده باید عاقل باشد، بالغ باشد، قاصد باشد و مختار باشد. بدین معنا که اقرار مجنون، فردی که به سن بلوغ نرسیده ، فردی که قصد اقرار کردن ندارد و فردی که تحت اجبار اقرار می‌کند مورد قبول نیست. یعنی در ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی بلافاصله و صریح اذعان شده است که اقراری که تحت اکراه و اجبار یا شکنجه گرفته شود فاقد اعتبار است.»

این حقوقدان اضافه می‌کند: «علاوه بر قانون مجازات اسلامی، قانون اساسی ایران نیز بر مختار بودن فرد اقرار کننده تاکید دارد. اصل ۳۸ ام قانون اساسی می‌گوید: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع از وقوع جرم ممنوع است.» بنابراین اعتراف اجباری که تحت شکنجه، یا به واسطه تهدید متهم و اعضای خانواده‌اش و یا با فریب و اغفال محقق شود، در هر صورت و به هر شیوه‌ای حاصل شده باشد اگر مبنای صدور حکم واقع شود خلاف قوانین حقوقی است.»

علی‌رغم نص صریح و روشن قانون در خصوص اقرار و شرایط اخذ آن اما در ایران شاهد بی‌شمار حکم صادر شده بر اساس اقراریر گرفته شده بر اثر اجبار و شکنجه در ادوار مختلف بوده‌ایم. از روزگار پس از انقلاب که نورالدین کیانوری از سران حزب توده و محمدرضا سعادت‌ی از رهبران مجاهدین خلق تن به اعترافات اجباری دادند تا دوران موسوم به اصلاحات که همسر سعید امامی ناچار شد تن به اعترافاتی سهمگین و عجیب بدهد و پس از آن در سال ۸۸ و پس از انتخابات پرمناقشه ریاست جمهوری که منجر به بازداشت گسترده شهروندان، فعالان سیاسی و مدنی و تشکیل دادگاه‌های دسته جمعی شد و برخی چهره های مشهور را وادار به اعتراف در برابر دوربین‌های تلویزیونی کرد.

چرا نیروهای امنیتی و ضابطان قضایی در ایران این اندازه به اقرار گرفتن و وادار کردن متهمان به اعتراف علاقه‌مندند؟ محمد اولیایی فرد که خود سابقه بازداشت و محکومیت در ایران را دارد در این‌باره می‌گوید: «در پرونده‌های بسیاری دست بازپرس و قاضی آنقدر از مدارک پر است که اصلا نیازی به اقرار متهم ندارند اما باز هم هر کاری می‌کنند تا متهم اعتراف کند. این به نظر من دو دلیل دارد. علت اول اینکه صدور رای بر اساس اقرار به آنها اجازه می‌دهد اشد مجازات را تعیین کنند و روند دادرسی را هم کوتاه می‌کند. علت دوم قدرت‌نمایی دستگاه قضاست. اعتراف تلویزیونی می‌تواند افکار عمومی را تحت تاثیر قرار دهد. مثلا در مورد همین رقصنده‌ها که اعترافات تلویزیونی‌شان پخش شد. اینها ویدئوهای رقص را در شبکه‌های مجازی منتشر کرده بودند. این به خودی خود

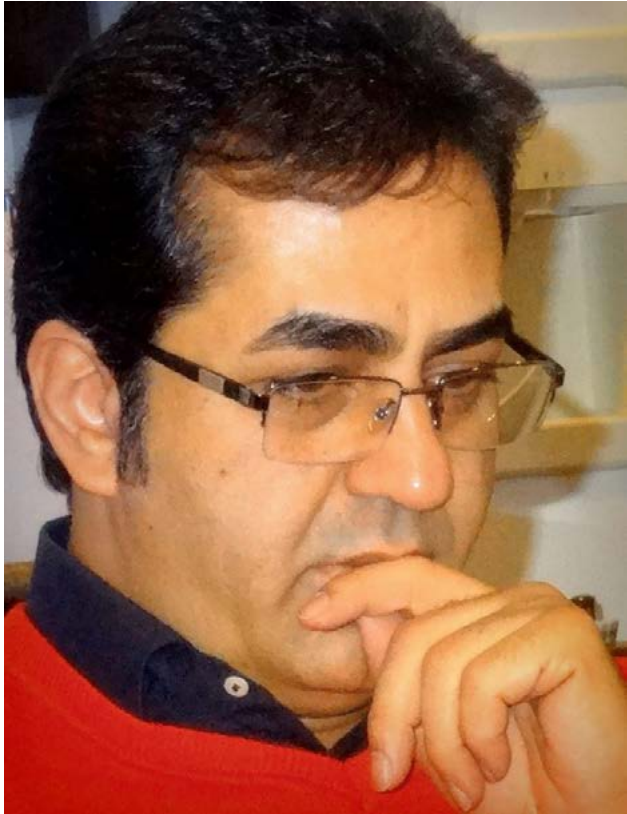
از نظر قوانین حقوقی ایران پیگرد قانونی دارد و قابل انکار هم نیست، اقرار نیاز ندارد اما قاضی برای اینکه حکم صادر کند متهمین را می‌نشانند مقابل دوربین و اعتراف می‌گیرد، فقط برای اینکه افکار عمومی را تحت تاثیر قرار دهد و قدرت نمایی هم کرده باشد.»

یکی از مسائلی که در پرونده های حقوقی و جرائم مختلف با آن مواجه می شویم انکار متهمان است. بارها پیش می‌آید که فرد تحت شرایطی قرار می‌گیرد که اقرار می‌کند و بعد از مدتی اعلام می‌کند که در شرایط نابسامانی قرارداشته و اقرار خود ر ا پس می‌گیرد. در این‌صورت وظیفه مراجع قضایی، دادگاه‌ها و قضات چیست؟

محمد اولیایی فرد از تجربه شخصی خودش در چنین پرونده‌ای می‌گوید: «یکی از پرونده‌های مهم که من در دادگاه آن حاضر بودم، پرونده فعالان ملی- مذهبی با وکالت آقای عبدالفتاح سلطانی بود. مرحوم هدی صابر و مهندس سبحانی، آقای تقی رحمانی و چند تن دیگر اعلام کردند که تحت آزار، شکنجه سفید و نگهداری در سلول انفرادی ناچار به اعتراف و اقرار شدند. آقای سلطانی این موضوع را در دادگاه مطرح کردند. تکلیف قانونی مطابق ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی روشن بود. در صورتی که متهم یا وکیل متهم اعلام کند اقرار تحت شکنجه بوده دادگاه مکلف به بررسی و تحقیق مجدد است اما تقریبا در تمامی مواردی که من شاهد بودم یا خودم وکالت کردم قاضی اعلام می‌کند متهم اگر می‌تواند اثبات کند که اقرار تحت شکنجه انجام شده. در مورد همین پرونده آقایان سبحانی و صابر و فعالان ملی مذهبی، قاضی مرتضوی که البته قاضی پرونده هم نبود اما دارای نفوذ زیادی در دوران خودش بود به قاضی پرونده اعلام کرد اینها باید این را ثابت کنند و در نهایت هم آقای سلطانی را متهم کردند به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی. یعنی نه تنها بررسی مجدد صورت نگرفت که وکیل پرونده به بازداشت، لغو پروانه و مجازات‌هایی از این دست تهدید شد.»

استناد به اقرار، بسته به نوع جرمی که صورت گرفته و اینکه در دسته جرائم کیفری قرار می‌گیرد یا جرائم حدی، تفاوت‌هایی دارد. محمد اولیایی فرد در بیان این تفاوت از ماده ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی یاد می‌کند: «بر اساس این قانون در همه جرائم یکبار اقرار متهم یا وکیل وی بر وقوع جرم کفایت می‌کند اما در برخی جرائم یک‌بار اقرار متهم برای اثبات کافی نیست. این جرائم عبارتند از:

الف- زنا، لواط، تفخیذ و مساحقه که باید چهار بار اقرار گرفته



شده باشد.

ب- شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت موجب حد که دوبار اقرار آن را اثبات می‌کند.»

به گفته این حقوقدان در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود. همچنین بر اساس نص صریح قانون برای اثبات جنبه غیر کیفری کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است.

در اغلب پرونده هایی که به نوعی افکار عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهند مانند تجاوز، کودک آزاری و قتل و یا جرائم امنیتی تلاش ضابطان قضایی بر گرفتن اقرار از متهم است به دلیل آنکه می‌خواهند رای خود را در زمان کمتری صادر کنند. بسیار پیش آمده که متهم در شرایطی تن به اقرار داده که یکی از شرایط صحت اقرار را نقض کرده اما بر همین اساس حکمی سنگین، اغلب اعدام صادر شده و پس از صدور حکم هرچقدر متهم یا وکلا بر دادرسی مجدد اصرار کرده‌اند ناکام مانده‌اند. نمونه‌اش پرونده «محمدرضا حدادی» است. او یکی از پیچیده ترین پرونده های قتل سال‌های اخیر را داشته. محمدرضا هنگامی که زیر سن قانونی بود با همدستی چهار نفر دیگر متهم به قتل یک راننده خودرو شد. او در اعترافات اولیه قتل را بر عهده گرفت اما بعدها گفت همدستانش به او گفته بودند قتل را در ازای مبلغی پول به گردن بگیرد با این توجیه که چون زیر ۱۸ سال است قصاص نخواهد شد. دادگاه

اما بر اساس همان اقرار اولیه حکم قصاص او را صادر کرد. محمدرضا حدادی اکنون ۳۰ ساله است و در طول ۱۵ سال گذشته پنج بار تا آستانه حکم اعدام رفته و همچنان می‌گوید کسی را نکشته، اما انکار او تا این لحظه مورد پذیرش واقع نشده است.

چرا دادگاه حاضر به بررسی مجدد پرونده هایی که متهمینش اقرار خود را انکار می‌کنند نیست؟

محمد اولیایی فرد در پاسخ به این سوال می‌گوید: «مطابق ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی، «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن موجب «رجم» یا «حد قتل» است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد. »

بدین معنا که قضات باید در خصوص جرائمی که مجازات آن سنگسار یا حد قتل است در صورت انکار فردی که اقرار کرده حتما و اکیدا دستور دادرسی مجدد و یا حداقل بررسی مجدد پرونده و مدارک را بدهند اما در ایران این ماده قانونی عملا مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

در پرونده محمدرضا حدادی هم حکم به تعویق افتاده اما ادله و شواهدی که ارائه شده مورد قبول واقع نشده است. از جمله فیلمی که در زندان در حضور ۱۰ شاهد گرفته شده و یکی از همدستان محمدرضا در آن صراحتا می‌گوید او اقرار را به شرط دریافت مبلغی پول انجام داده و قاتل نیست. این ویدئو به این بهانه که ادله الکترونیک هنوز به عنوان سند در دادگاه‌ها مورد قبول قضات واقع نمی‌شوند رد شده است. همانطور که قبلا هم اشاره کردم طبق قانون اقرار در صورتی صحت دارد که بی اینکه هیچ فشار، تهدید و ارعابی صورت بگیرد انجام شود اما در اغلب دادرسی‌ها قضات و بازپرسین در ایران هر کاری می‌کنند که از متهمین اقرار بگیرند.»

محمد اولیایی فرد در پایان این گفت‌وگو و بر اساس تجربه وکالتش در پرونده های متعدد زندانیان سیاسی و امنیتی به نکته‌ی مهمی اشاره می‌کند. به باور این حقوقدان، قوه قضاییه در ایران از اقرار به عنوان ادله اثبات جرم استفاده نه، که سوءاستفاده می‌کند. به گفته او در سیستم قضایی ایران پابندی به قانون وجود ندارد و در مواردی مانند اقرار که قانون صریح، شفاف و بی‌حاشیه است هم برداشت‌ها و خوانش‌های شخصی قضات بر قوانین ارجح است و این اسفبار است .

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تماس با مجله: mail@iranhr.net

